



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

# مبانی فقهی تسری حکم زکات نقدین به نقد رایج امروز

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین حسام‌الدین ربانی

دانشجو:

رضا سرخه‌ای

پاییز ۱۳۹۵

السلامة والسلامة والسلامة  
السلامة والسلامة والسلامة  
السلامة والسلامة والسلامة



تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا  
لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

با سپاس و تشکر فراوان از:

مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (حفظه الله) که فتوا و دستخط مبارک ایشان مزین این پایان نامه شده است.

اساتید گرانقدر دانشگاه قرآن و حدیث، گروه محترم فقه و حقوق به ویژه آقایان: استاد راهنما، حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر ربانی، حجج اسلام دکتر چیت‌سازیان و دکتر ساجدی، دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی و دکتر مهدی رهبر؛

خانواده محترم و صبورم به ویژه پدر و مادر عزیز و گرانقدرم؛

جناب آقایان دکتر حمیدرضا مقدم‌فر و حاج سعید مقدم‌فر؛

تمامی مسئولین و کارکنان دانشگاه قرآن و حدیث قم و پردیس تهران، به ویژه معاونت محترم پژوهش و مدیریت محترم آموزش؛

حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی بطحایی؛

و همه کسانی که حقیر را در آماده‌سازی و تهیه این پایان‌نامه یاری کردند و حقی بر گردن این جانب دارند.

## چکیده تحقیق

واضح است که اسکناس‌های امروزی در واقع شکل تکامل یافته پول در گذشته‌های دور می‌باشند. در دوره حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین: نقد رایج از جنس طلا و نقره بوده است اما به مرور زمان از رواج طلا و نقره کاسته شده و سکه‌های فلزی با آلیاژی از این دو فلز به همراه فلزات دیگر رواج می‌یابد. بعد از مدتی حواله به پول نقد به علت سادگی در نگهداری و حمل و نقل، جای پول نقد را می‌گیرد. دولت‌ها با کشف این نکته، خود حواله‌هایی را منتشر می‌کنند که بعد از مدتی نقد رایج می‌شود و اسکناس‌هایی با پشتوانه طلا وارد بازار خرید و فروش می‌شود. بعد از مدتی با پذیرش این نقد، اسکناس‌هایی بدون پشتوانه طلا از طرف دولت‌ها چاپ می‌گردد.

با در نظر گرفتن سیر تکامل پول نقد، سؤال اساسی این است که اسکناس امروزی دارای چه ماهیتی است؟ عده‌ای آن را حواله به نقدین و عده‌ای حواله به طلای پشتوانه در خزانه می‌دانند و عده‌ای حواله بی نام مقداری کالا. در همه این نظرات، اسکناس «سند دین و حواله» است و خود دارای مالیتی نمی‌باشد. لذا از اساس مطرح نمودن بحثی از زکات در اسکناس‌های امروزی بحثی نادرست است. البته در این میان عده‌ای با توجه به توان تبدیل فوری «حواله» به کالای دارای ارزش ذاتی، آن را نازل منزله یک کالا می‌دانند و لذا قائلند که بحث زکات را می‌توان در آن جاری شمرد. به نظر عده‌ای دیگر اسکناس به خودی خود دارای مالیت مستقل است و عرف با آن معامله مال می‌کند و بر اساس اعتبار و توان دولت، به پشتوانه آن توجهی نمی‌نماید. این عده از محققین مالیت و مطلوبیت ذاتی را تابعی از اراده و اعتبار عقلا در زندگی اجتماعی می‌شمارند و بیان می‌دارند که معامله عقلا با اسکناس، همانند معامله ایشان با سکه‌های طلا است و برای آنان به خودی خود مطلوب است. لذا بحث زکات را می‌توان در آن جاری شمرد و از این جهت تفاوتی میان نقدین و اسکناس‌های امروزی نیست. غالب علمای شیعه قائل به این نظرنند و لذا در ابواب ربا، مضاربه، ابراء دین، مهریه و... اسکناس‌ها را معتبر می‌شمارند. اما در زکات به علت نوع نصوص، فتوا به تعمیم زکات نقدین به اسکناس بسیار نادر است.

ظاهر روایات صریح در آن است که زکات به «طلا و نقره» با قید مسکوک رایج تعلق می‌گیرد. اما عده‌ای از محققین ذکر «ذهب و فضّه» در روایات را از باب موضوعیت نمی‌دانند. بلکه صرفاً آن را از باب «بیان مصداق» برای «نقد رایج» در جامعه آن روز می‌شمارند. لذا قائل به الغای خصوصیت می‌شوند. مخالفین، الغای خصوصیت در این مورد را قیاس می‌دانند؛ ولی موافقین تعمیم را به علت یقین به وجود ملاک رفع حوائج محرومین در زکات اسکناس، قیاس نمی‌دانند. بعضی نیز به علت جعل خمس ارباح مکاسب، لزومی به استیفای ملاک با زکات اسکناس نمی‌بینند. در مقابل عده‌ای ملاک را منع از رکود پول نقد و ایجاد اختلال در جامعه اقتصادی می‌شمارند و لذا ملاک را در اسکناس جاری نمی‌شمارند.

**کلیدواژه:** اسکناس، پول، تسری، درهم و دینار، زکات نقدین.

# فهرست

## فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۱

۱. کلیات ..... ۱
  - ۱-۱. پیش‌گفتار ..... ۱
  - ۲-۱. تبیین موضوع تحقیق، ضرورت و محدوده آن ..... ۳
  - ۳-۱. سؤال اصلی و سؤالات فرعی ذیل موضوع تحقیق ..... ۵
  - ۴-۱. پیشینه تحقیق ..... ۷
۲. بررسی ماهیت زکات و زکات تقدین ..... ۸
  - ۱-۲. اصطلاحات و تعاریف ..... ۸
  - ۲-۱-۲. لفظ «صدقه» و اصطلاح «زکات» در مصادر شرعی ..... ۱۰
  - ۳-۱-۲. اصطلاح تقدین، الفاظ ذهب و فضّه، اوراق مالی ..... ۱۲
  - ۲-۲. پیش‌زمینه و مراحل تاریخی جعل حکم «زکات» در اسلام ..... ۱۴
  - ۱-۲-۲. پیش‌زمینه تاریخی در ادیان آسمانی قبل از اسلام ..... ۱۴
  - ۲-۲-۲. تحلیل مراحل تاریخی جعل حکم «زکات» در مکه ..... ۱۷
  - ۳-۲-۲. تحلیل مراحل تاریخی جعل حکم «زکات» در مدینه ..... ۲۲
  - ۳-۲. ولایت حاکم در تعیین موارد زکات ..... ۲۹

## فصل دوم: بررسی ماهیت موضوع حکم (پول نقد و رایج) ..... ۳۵

۱. مراحل تکامل پول ..... ۳۵
  - ۱-۱. از مبادله کالا به کالا تا سکه‌های طلا و نقره ..... ۳۵
  - ۲-۱. تحولات سکه در ایران ..... ۳۶
  - ۳-۱. نارسایی‌های سکه‌های طلا و نقره ..... ۳۷
  - ۴-۱. از سندهای رسید و رواج اسکناس با پشتوانه تا نگاه استقلالی به اسکناس ..... ۳۹
۲. تحلیل ماهیت پول ..... ۴۲
  - ۱-۲. تعریف پول (نقد) ..... ۴۲
  - ۲-۲. تعریفی در تعمیم ..... ۴۳
  - ۳-۲. مالیت اسکناس (پول نقد) در فقه اسلامی ..... ۴۷

## فصل سوم: بررسی عنوان متعلق وجوب و زکات ..... ۷۳

- ۱-۳. بیان ابتدایی در مسأله و ذکر روایت مفتی بها در دراهم مغشوشه ..... ۷۳
- ۲-۳. نظر رشید رضا در تفسیر آیه کنز و موضوعیت نقد در عنوان متعلق وجوب ..... ۷۴
- ۳-۳. نظر یکی از محققین در جهت کاربرد عنوان تقدین در کتاب و سنت ..... ۷۵
- ۴-۳. استدلال مخالفین تعمیم در اهل سنت و شیعه ..... ۷۵
- ۵-۳. رد قیاس بودن تعمیم زکات به اوراق مالی در نظر علامه مغنیه ..... ۷۶
- ۶-۳. موضوعیت نداشتن زکات تقدین در دنیای امروزی در تعبیرات شهید صدر ..... ۷۷

۷۷.....	۷-۳. ملاک بودن قدرت خرید در تقدین و جریان آن در اسکناس از نظر آیت الله موسوی بجنوردی
۷۸.....	۸-۳. الغاء خصوصیت طلا و نقره در تقدین در کلام آقای منتظری.....
۷۹.....	۹-۳. نقد آقای منتظری به تمام ادله تعمیم زکات به نقد رایج امروزی.....
۸۱.....	۱۰-۳. الغاء عرفی خصوصیت در تقدین از دیدگاه آیت الله حائری.....
۸۲.....	۱۱-۳. بررسی ملاک رفع حوائج محرومین در زکات تقدین از نگاه آیت الله حائری.....
۸۴.....	۱۲-۳. بیان ملاک رکورد پول در زکات تقدین و اثبات آن در کلام آیت الله حائری.....
۸۶.....	۱۳-۳. عدم جزم به الغای خصوصیت در نظر ایشان.....
۸۸.....	۱۴-۳. حل نهایی مسأله با ولایت فقیه و عدم نیاز به الغاء خصوصیت در کلام ایشان.....
۸۹.....	۱۵-۳. نظر آیت الله سید مرتضوی در عدم تمامیت موضوع نقد و شرطیت طلا و نقره.....
۹۰.....	۱۶-۳. نظر آیت الله معرفت در عدم جزئیت طلا و نقره در زکات تقدین.....
۹۱.....	۱۷-۳. عدم تعلق خارجی زکات به اسکناس علی رغم توسعه زکات به آن، در نظر جناب استاد محمدتقی مدرسی.....
۹۱.....	۱۸-۳. راه حل احتمالی شهید صدر برای مسأله.....
۹۲.....	<b>فصل چهارم: شروط زکات در طلا و نقره.....</b>
۹۲.....	۱-۴. نصاب.....
۱۰۳.....	۲-۴. مسکوک بودن.....
۱۰۶.....	۳-۴. شرط مضمی حول.....
۱۰۸.....	<b>خاتمه.....</b>
۱۱۱.....	<b>فهرست منابع تحقیق.....</b>
۱۱۵.....	<b>ضمائم.....</b>
۱۱۵.....	تصویر استفتاء از حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی (حفظه الله)



# فصل اول: کلیات و مفاهیم

## ۱. کلیات

### ۱-۱. پیش‌گفتار

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۱</sup>

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست.

آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد، و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است؟

اسلام دینی است همه‌جانبه و دارای اقتصاد، سیاست، مدیریت، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و... و منشور این جنبه‌های اسلام، قرآن کریم، آخرین معجزه آخرین پیامبر الهی است. اما نگاه و زاویه دید اسلام، زاویه دیدی منحصر به فرد است. این نوع نگاه نفی‌کننده سایر نگاه‌هاست. این نگاه، نگاه پروردگار متعال به همه جنبه‌های زندگی بشری است. نگاه اصیل اسلام نگاه تربیت جامعه بشری جهت ارتقا در پله‌های کمال و تقرب الی الله است.

نظام مالیاتی اسلام نیز بخشی از همین پله‌های ارتقا است. نگاه اسلام به تأمین «عدالت» اجتماعی و نه «تأمین اجتماعی»! به عنوان مهم‌ترین زمینه اجتماعی این ارتقا است. عدالت اجتماعی زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه و بهینه و «مشارکت و رقابت همگانی» بدون انحصار بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌کشی عده‌ای خاص از عده‌ای دیگر است. طبیعتاً نتیجه اصلی آن «رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی» به معنای واقعی خواهد بود. از طرفی ایجاد جامعه‌ای سالم از نظر حقوقی و متوازن از نظر اجتماعی با فاکتورهای مهم انسجام اجتماعی، نتیجه عدالت اجتماعی است.

اما «عدالت اجتماعی» غایت اصیل در نگاه پروردگار عالم نیست؛ بلکه تطهیر و پاک کردن بشریت از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و تزکیه و رشد روحی و معنوی انسان، غایت حقیقی نظام مالیاتی اسلام است. از این روست که غایت در زکات، «تطهرهم و تزکیهم» ذکر شده است؛ یعنی «تطهیر و تزکیه نفس». آخرین مریی حقیقی بشریت که پیامبر

۱. التوبة: ۱۰۳ و ۱۰۴.

اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، تنها به توصیه‌های اخلاقی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه به دستور رب‌الارباب و مربی بزرگ عالمیان باید «زکات» را بگیرد و در مقابل با دعای خیر خود آرامش را بر دل‌های آنان حاکم کند و این حکایت از عظمت معنوی حاکم و حکومت اسلامی در نگاه قرآن و کلام الهی دارد. تأکید این است که این، خود خداوند است که زکات را اخذ می‌کند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تنها واسطه است. خداوند همان کسی است که توبه‌های ما را می‌پذیرد و صدقات و زکات نیز بازگشتی است به سوی پروردگار عالم.

نگاه به مالیات در نظام اقتصادی امروز ایران، نگاه نسبت به یک منبع درآمد دولتی است نه یک عامل هدایت‌کننده سرمایه‌ها و ایجادکننده تعادل کلی در نظام اقتصادی. طبیعی است (مالیات از آن جایی اخذ می‌شود که ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر است. لذا) در این نوع نگاه ورود دلال‌ها و واسطه‌ها بدون یک نظام مالیاتی جدی در عرصه زمین و مسکن می‌تواند یک شبه عده خاصی را بسیار ثروتمندتر از گذشته گرداند و بر ناتوانی قدرت خرید مسکن - که حداقل مؤونه یک انسان است - در اکثریت قشر ضعیف و متوسط بیفزاید.

امروزه صاحب‌نظران اقتصاد کشور، بیان می‌کنند که تنها راه رقابت ما با کشورهای صنعتی، تقویت صنعت و بازرگانی کشور خودمان است. (هرچند نئوکلاسیک‌ها تنها راه نجات را بردگی برای دنیای صنعتی می‌دانند!) لذا باید اعتبارات بانکی، بخشش‌های چند دوره بازپرداخت وام، جوایز دولتی و بخشودگی‌های مالیاتی و وام‌های بلاعوض، ارزش‌های با نرخ‌های دولتی، پورسانت و رانت‌های مختلف را برای بخش خصوصی فراهم ساخت. منظور از بخش خصوصی نیز، قشر محترم سرمایه‌دار است. (در مقابل، بخش دولتی را می‌توان معنا نمود: قشر محترم مدیران!)

طبیعتاً منبع این هدایا به سرمایه‌داران بخش خصوصی، مالیات‌هایی است که از کارمندان و کارگران و فروشندگان جزء اخذ می‌شود و یا درآمدهای نفتی همه مردم ایران می‌باشد. یعنی «زکات فرنگی!» از محرومین اخذ و به ثروتمندان داده می‌شود. تناسب میان این نگاه و آیه ابتدای مقدمه را بار دیگر می‌توانید بررسی نمایید. تا وقتی تئوری «زکات از فقرا به ثروتمندان!» در اقتصاد ما جاری است بهتر است هیچ مالیاتی را دولت نگیرد. چرا که قشر محروم، باید بار مالیاتی جدیدی را تحمل کنند. زیرا با اخذ هر نوع مالیاتی آثار تورمی آن روی قیمت‌ها خود را نشان می‌دهد.

از طرفی نظام مالیاتی، جهت دهنده به حرکت سرمایه‌ها نیز می‌باشد. امروز هر فرد صاحب سرمایه‌ای، سرمایه خود را تبدیل به طلا و یا زمین می‌کند تا حداقل از کاهش ارزش پول خود جلوگیری نماید و همین «نگاه دلالی» مهمترین مانع شکل‌گیری روحیه سرمایه‌گذاری تولیدی در مردم ایران است. اگر همه خانواده‌ها و سرمایه‌داران به جای سرمایه‌گذاری راکد در زمینه کالاهایی خاص و نشستن به امید افزایش قیمت در این کالاها و یا سفته بازی و بورس بازی، سرمایه‌های خود را به حرکت وادارند مطمئناً رونق اقتصادی جای تورم و رکودهای پی‌درپی در زمینه‌های مختلف را خواهد گرفت. یکی از حکمت‌های اساسی زکات، جلوگیری از رکود ثروت و ایجاد «کنز» است. از آنجایی که به نقد رایج راکد، ۲/۵٪ مالیات سالانه تعلق می‌گیرد.

این مالیات تنها بر سکه‌های رایج طلا و نقره جعل شده است؛ بنابراین از سکه‌های مسین، آهنین، طلا و نقره زینتی اخذ نمی‌شده است. هرچند از موارد بسیار مهم دیگری همچون گندم، جو، گاو و گوسفند و... نیز زکات اخذ می‌شود اما نقد «رایج» نیز از موارد اصلی اش می‌باشد.

تلاش ما در این تحقیق بر آن است که تغییر موضوعی حاصل در نقد رایج از طلا و نقره به اسکناس و پول‌های اعتباری را مورد بررسی قرار دهیم و مسئله تعلق زکات به آن را طرح نموده و در حد بضاعت نقد و بررسی نماییم.

## ۲-۱. تبیین موضوع تحقیق، ضرورت و محدوده آن

زکات در کنار صلوة از ضروریات اسلام است. این دو واجب بارها و بارها در کنار هم به عنوان شرط اساسی ایمان و ممیزه مؤمن از کافر ذکر شده است. حل مشکل «فقر» در جامعه اسلامی عملاً به دوش مالیات «زکات» گذاشته شده است.

در این زمینه روایات فراوانی دال بر این است که زکات برای حل مشکل فقرا کافی است و نیازی به چیز دیگر نیست.

وَ يَأْتِيهِ عَنِ حَرِيْزٍ عَنِ زُرَّازَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَرَّادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُوْتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ.»<sup>۱</sup>

از این روایات برداشت‌های گوناگونی شده است. یکی از برداشت‌ها این است که منظور روایت این است که اگر زکات واجب داده شود، برای حل مشکل فقر نیازی به زکوات و صدقات مستحبی نیست.

از مهم‌ترین موارد زکات، «زکات نقدین» است. ظاهراً این زکات، در ادیان آسمانی ماقبل اسلام نیز وجود داشته است. از آنجایی که خداوند در قرآن کریم در مورد عالمان یهود و نصاری می‌گوید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

۱. رک. وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۱۰-۱۲.

﴿يَوْمَ يُجْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خوردند، و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را عذابی دردناک خبر ده.

روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند: "این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید."]

از طرفی در همه روایاتی که موارد زکات در آن نام برده شده، اولین مورد، زکات نقدین است. به فتوای مشهور علمای شیعه زکات نقدین تنها به طلا و نقره مسکوک و رایج تعلق می‌گیرد. لذا طلا و نقره غیر مسکوک و نیز مسکوک غیر رایج و نیز سکه‌های مسی و آهنین رایج و اسکناس‌های رایج در اقتصاد امروز جوامع، مشمول زکات نمی‌شوند. در حالی که از مهم‌ترین منابع تأمین مالی «صندوق زکات» جهت حمایت از محرومین در زمان رواج معامله با نقدین، همین مورد بوده است.

در حال حاضر منابع مالی این صندوق بنا به فتوای مشهور علمای شیعه، عملاً محدود به ۷ مورد می‌باشد. زیرا در میان موارد نه‌گانه، زکات غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش) و انعام ثلاثه (گاو، گوسفند، شتر) قابل اخذ در زمان حاضر می‌باشد. اقتصاد در جوامع امروزی از حالت کشاورزی به حالت صنعتی و به دنبال آن زندگی‌ها نیز از حالت روستایی به شهری تبدیل شده‌اند. لذا انعام ثلاثه بیشتر در دامداری‌ها تولید می‌شوند و سائمه نمی‌باشند. به علت سیستم‌های آبیاری در مجتمع‌های کشت و صنعت، زکات حداقلی نیز به غلات اربعه تعلق می‌گیرد. لذا با توجه به تحولات وسیع در موضوعات موارد زکات، لازم است بررسی‌های عمیقی در شناخت این موضوعات و نیز تحقیق در حکم شرعی موضوع بررسی شده انجام گیرد.

در میان این موضوعات، جنجال برانگیزترین موضوع «نقدین» است. نقد در زمان حاضر تبدیل به اوراق اعتباری اسکناس شده است. این اوراق هیچ‌گونه قیمت ذاتی قابل توجه ندارند و به عنوان کالا مورد تقاضا نیستند. در حالی که سکه‌های طلا و نقره خود به عنوان کالا دارای ارزش ذاتی بوده‌اند. لذا در این تحقیق ابتدا ماهیت پیچیده اسکناس را بررسی می‌کنیم و سپس حکم آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. التوبة: ۳۴ و ۳۵.

البته از آنجایی که موضوع رواج اسکناس به عنوان نقد رایج مسئله‌ای نوظهور می‌باشد، در میان فقهاء معظم گذشته و آثار گرانسنگ تراث فقه شیعه اثری از این بحث نمی‌باشد. با تتبع در کتب قدما بر ما معلوم گشت که در همه کتب فقهی عنوان بحث زکات «ذهب و فضه» (طلا و نقره) است و نه زکات نقدین. لذا هیچ یک از فقهاء عظام گذشته قبل و بعد از علامه و حتی قبل و بعد از شیخ انصاری بحث را متفرع بر عنوان نقدین نکرده‌اند. تنها بحثی که تا حدی به بحث ما پهلوی می‌زند زکات دراهم و دنانیر مغشوش بود که ما در لابلای بحث از آن بهره برده‌ایم. اما تفرع زکات بر عنوان نقدین در هیچ یک از مکتوبات فقهای سلف یافت نشد. لذا به کتب محققین عصر حاضر و مقالات ایشان در مجلات تخصصی فقهی مراجعه شد که مفصل آن در پیشینه بحث ذکر می‌گردد.

### ۱-۳. سؤال اصلی و سؤالات فرعی ذیل موضوع تحقیق

سؤال اصلی در این تحقیق این است که «آیا زکات به اسکناس، تحت عنوان نقدین، تعلق می‌گیرد؟» لذا در این تحقیق به دنبال اثبات زکات در نقدین (درهم و دینار) نیستیم؛ بلکه آن را به عنوان پیش فرض پذیرفته‌ایم. تنها مسئله مورد توجه در این تحقیق این است که تعلق وجوب زکات در نقدین، تحت چه «عنوانی» است.

هرچند در کتب فقهی قدما و متأخرین زکات به عنوان طلا و نقره تعلق گرفته است و در لسان روایات نیز موضوع اصلی طلا و نقره است، اما روایات دارای تنوع عناوین نیز می‌باشند. در روایات بیان موارد زکات تنها اشاره به عنوان «طلا و نقره» شده است.<sup>۱</sup>

در روایات بیان نصاب زکات، گاهی عنوان «مسکوک» و یا «درهم» و «دینار» در کنار ذهب و فضه آمده و گاهی نیز تنها عنوان «درهم» و «دینار» ذکر شده است.<sup>۲</sup>

دسته‌ای از روایات نیز صراحتاً زکات را از طلا و نقره زینتی نفی می‌کنند.<sup>۳</sup>

در روایتی نیز زکات از طلا و نقره مسکوک که ذوب شده و از حالت سکه خارج گردیده، نفی شده است.<sup>۴</sup>

در روایتی نیز زکات بر سکه‌های رایجی که یک سوم آن نقره، یک سوم مس و یک سوم سرب بوده، ثابت شده است.<sup>۵</sup>

۱. وسائل الشیعه، جلد ۹، ص ۵۳-۶۱ باب ۸ از ابواب ما تجب فیہ الزکاة.  
 ۲. همان، ص ۱۳۷-۱۴۶، باب ۱۰۲ از ابواب زکاة الذهب و الفضة.  
 ۳. همان، ص ۱۵۶-۱۵۸، احادیث باب ۱۰ از ابواب زکاة الذهب و الفضة.  
 ۴. همان، ص ۱۵۴-۱۵۶ احادیث باب ۸ از ابواب زکاة الذهب و الفضة.  
 ۵. همان، ص ۱۵۳ و ۱۵۴ حدیث ۱ باب ۷ از ابواب زکاة الذهب و الفضة.

لذا اولین سؤالی که به عنوان سؤال اساسی فرعی مطرح می‌باشد این است که «آیا طلا و نقره جزءالموضوع حکم وجوب زکات نقدین اند یا اینکه تمامالموضوع حکم وجوب زکات نقدین، عنوان نقد رایج می‌باشد؟». جهت بررسی این سؤال باید به سؤالات فرعی زیر پاسخ داد:

۱. پیش زمینه تاریخی جعل حکم وجوب زکات و زکات نقدین در اسلام چیست؟
۲. مراحل تاریخی جعل حکم وجوب زکات و زکات نقدین در اسلام چیست؟
۳. آراء فقهاء اهل سنت در پاسخ به سؤال فوق چیست؟
۴. آراء فقهاء شیعه در پاسخ به سؤال فوق چیست؟

دومین سؤال اساسی فرعی این است که «ماهیت اسکناس از نظر فقهی و اقتصادی چیست؟» جهت بررسی این سؤال باید به سؤالات فرعی زیر پاسخ داد:

۱. تعریف مفهومی پول چیست؟
۲. مراحل تکامل پول قبل و بعد از اسلام چیست؟
۳. اقسام پول چیست؟
۴. آیا اسکناس مالیت مستقل دارد و دارای ارزش ذاتی است؟
۵. آیا اسکناس مالیت وابسته دارد و دارای ارزش ذاتی نیست؟

سؤال آخر به دو سؤال زیر منحل می‌گردد:

۱. آیا اسکناس حواله به نقدین است؟
۲. آیا اسکناس حواله بدون پشتوانه و بی‌نام مقداری کالا است؟

دو سؤال دیگر نیز، مختصراً مورد بحث قرار می‌گردد. از آن جایی که مربوط به راه حل بعض محققین در مسأله می‌باشد. این دو سؤال تا حدی خارج از مسأله اصلی مورد بحث می‌باشد نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد؛ اما به علت ارتباط با موضوع مورد بحث، مختصراً مورد بحث قرار می‌گیرد. این دو سؤال عبارت‌اند از:

۱. آیا موارد زکات از امور حکومتی است و جعل آن در مواردی خاص و عفو از سایر موارد توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جهت شأن حکومتی آن بزرگوار بوده است؟
۲. آیا ادله تعمیم و تعدی زکات از موارد منصوص معتبرند؟

در پاسخ به این سؤالات لازم است به سؤال گذشته در پیش زمینه و مراحل تاریخی جعل حکم وجوب زکات و زکات نقدین در اسلام، با دقت بیشتری پرداخت. لذا بخشی از این تحقیق به این بحث اختصاص یافته است.

## ۴-۱. پیشینه تحقیق

نقد رایج ابتدائاً در اروپا در ۲۰۰ سال اخیر به آرامی تبدیل به اسکناس شده است. در ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز در ۱۰۰ سال اخیر این تحول روی داده است. لذا موضوع «زکات در اسکناس» پیشینه چندانی ندارد.

اولین مباحث جدی در این موضوع در حوزه اهل سنت مطرح شده است. از مهم‌ترین مکتوبات متأخر اهل سنت «فقه الزکوة» یوسف القرضاوی است. البته در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» و «المحلی» ابن حزم اندلسی نیز مباحث سودمندی یافت می‌شود. در مجله المنار نیز، رشید رضا در جواب به سؤالی مطلب ارزشمندی ارائه نموده است. در حوزه شیعیان اولین مباحث توسط شهید سید محمدباقر صدر در «البنک اللاربوی» و «اقتصادنا» و توسط شهید مرتضی مطهری در کتاب «ربا، بانک و بیمه» طرح شده است.

عمده مباحث مربوط به ماهیت فقهی اسکناس پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مجلات و مکتوبات فقهی و اقتصادی مطرح شده است. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجلاتی چون اندیشه حوزه، تراثنا، فقه اهل بیت علیهم‌السلام، رهنمون، رساله‌الثقلین، در مقالاتی به این موضوع پرداخته‌اند.

در این میان فقها، شخصیت‌هایی چون آیت‌الله سیدکاظم حائری، جناب آقای منتظری و حجت‌الاسلام سیدمحمد موسوی بجنوردی تحقیقات ارزشمندی را مکتوب نموده‌اند. البته تحقیقات شفاهی خوبی نیز از حضرات آیات سیدموسی شبیری زنجانی و سیداحمد مددی در دروس خارج ارائه شده است.

## ۲. بررسی ماهیت زکات و زکات نقدین

### ۱-۲. اصطلاحات و تعاریف

#### ۱-۱-۲. تحلیلی از لفظ زکات و معنای آن

**مفردات:** اصل زکات به معنای رشد نموی که از برکت الهی در امور مربوط به دنیا و آخرت حاصل می‌شود. لذا وقتی گفته می‌شود زکا الزرع یزکوا: وقتی است که نمو و برکتی از محصول ایجاد شده باشد و یا در فرموده الهی: ﴿أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا﴾ اشاره به مورد طعامی است که پاک و طاهر است و عواقب برای طعام مترتب نمی‌شود. مثال دیگری که برای زکات گفته شده است (که به معنای شرعی آن نیز نزدیک‌تر است) این است و عبارت است از آن حقی که انسان از مال خودش به نفر اختصاص می‌دهد به امید آنکه خداوند به مالش برکت عنایت فرماید. یا اینکه این عمل را به خاطر رشد نفسانی خود انجام می‌دهد. و یا می‌توان گفت اخراج مال فقرا از مال خود به امید این است که خیرات و برکات الهی را در اموال خود فراهم سازد. لذا در آیات با اقامه نماز و پرداخت زکات به حالتی رشد یافته می‌رسد که این ارتقاء نفس سبب می‌شود تا روح انسان دارای اوصاف نیکو و قابل ستایش شود. و در آخرت نیز به خاطر ارتقاء نفس مستوجب اجر و ثواب و پاداش الهی خواهد شد. و به همین جهت است که پیوسته انسان باید سعی و کوشش نماید تا می‌تواند خود را به طهارت روح و نفس نزدیک کند. و به همین جهت است که پیوسته انسان باید سعی و کوشش نماید تا می‌تواند خود را به طهارت روح و نفس نزدیک کند. و به همین جهت است (که اثرات نمو و رشد) هم در دنیا و هم در آخرت ظهور پیدا می‌کند و مؤید این مطلب در آیات نیز قابل مشاهده است؛ آنجا که خداوند زکات (طهارت) را به معنای فلاح و رستگاری نفس می‌داند ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾<sup>۲</sup> و گاه در آیه دیگر نسبت رشد و پاکی را به خود می‌دهد ﴿وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً﴾<sup>۳</sup>.

۱. الکهف: ۱۹. کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است.

۲. الشمس: ۹. که هر کس (آن) را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.

۳. مریم: ۱۳. و [نیز] از جانب خود، مهربانی و پاکی [به او دادیم].



طهارت و پاکی را خداوند در آیات قرآن به نمونه‌های مختلف بیان کرده است (۱- گاهی طهارت را به بنده نسبت می‌دهد ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾<sup>۱</sup> ۲- گاهی طهارت را به خدای متعال نسبت می‌دهد ۳- گاهی طهارت را به پیامبر اکرم ﷺ نسبت می‌دهد ۴- گاهی به عباد که وسیله ایجاد تقرب می‌شوند نسبت می‌دهد)<sup>۲</sup>

و در مجمع البحرین نیز آمده که زکا یا مصدر زکی به معنی رشد کرد، نمو یافت است؛ زیرا موجب جلب برکت در مال و افزایش یافتن آن می‌شود و یا مصدر زکا به معنی پاک شدن می‌باشد؛ زیرا زکات، مال را از خبث و نفس را از بُخل پاک می‌کند.<sup>۳</sup>

شناخت مستشرق یهودی در «دایرة المعارف اسلامی» در ذیل ماده زکات می‌گوید: پیامبر اسلام ﷺ کلمه زکات را به معنایی بسیار اوسع از استعمال لغوی، نزد مردم عرب زبان آن زمان، به کار برده است. استعمال آن کلمه نزد یهود، در لفظ آرامی، «زاکوت» بوده است. نفوذ این لفظ از شام - مرکز یهود - به مکه و مدینه، چه بسا به واسطه شهر حیره در عراق بوده است. خطی که همزمان با ظهور پیامبر ﷺ در «جزیره العرب» رایج بود، خط کوفی بوده است.<sup>۴</sup> قبل از اسلام، به علت نفوذ یهود و نصاری شهر حیره، خط سریانی از منطقه سوریه امروزی به این منطقه، می‌آید. از آنجایی که کتاب مقس را با این خط می‌نوشتند، به عنوان خط مقدسی رایج می‌شود. چون این خط از حیره به بقیه اماکن منتشر شد، خط حیری نام گرفت؛ و چون کوفه را بعد از اسلام در نزدیکی مخروبه‌های شهر حیره ساختند بعدها به آن خط کوفی گفتند.

خط حیری را بشر برادر اکیده (پادشاه عرب) آموخت به مکه رفت و با خواهر ابوسفیان ازدواج کرد و به بعضی از جوانان همچون معاویه، عمر و حتی بنابر نقلی علی عليه السلام آموخت. بنا بر نقل ابن خلدون ۱۷ نفر در مکه خط حیری آموختند. از خصوصیات این خط این بود که الف متوسط را در آن نمی‌نوشتند؛ مثل ذلک، الرحمن، صلوة، زکاة نیز اصلش زاکوة بوده است. لذا بعد از اسلام در معنایش تصرف کردند، اما در کتابتش تصرفی نشد.

۱. الشمس: ۹.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۸۱ - ۳۸۰. اصل الزکاة: النمو الحاصل عن بركة الله تعالى، و يعتبر ذلك بالأمر الدنيوية و الاخروية. يقال: زكا الزرع بزكوا: إذا حصل منه نمو و بركة. و قوله تعالى: ﴿أَنْهَا أَرْكِي طَعَامًا﴾ إشارة إلى ما يكون حالاً لا يستوخم عقباء، و منه الزکاة: لما يخرج الإنسان من حق الله تعالى إلى الفقراء و تسمية بذلك لما يكون فيها من رجاء البركة، أو لتزكية النفس، أي تنميتها بالخيرات و البركات، أو لهما جميعاً فإن الخيرين موجودان فيها. و قرن الله تعالى الزکاة بالصلوة في القرآن بقوله: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ [و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید.]. و بزکاء النفس و طهارتها یصیر الإنسان بحیث یستحق فی الدنيا الأوصاف المحمودة، و فی الآخرة الأجر و المثوبة. و هو أن یتحرى الإنسان ما فيه تطهيره، و ذلك ینسب تارة إلى العبد لكونه مكتسباً لذلك، نحو: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾، و تارة ینسب إلى الله تعالى... و تارة ینسب إلى النبی ﷺ... و تارة إلى العباد التي هي آله في ذلك، نحو: ﴿وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً﴾.

۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴. «تعلق زکات به دین و قرض»، علی صادقی، سال تدوین: ۱۳۹۴، رساله علمی سطح ۳، صفحه ۵ تا ۷.

۵. تفسیر مجمع البیان ذیل آیه زکوة.

مسلمین بعداً معنای مشتق و فعلی از آن گرفتند. لذا «زکاه و یزکیها» در قرآن به معنای طهارت است، به خلاف روایات. مثلاً در کلمات امام صادق علیه السلام آمده است: «زَجُلٌ زَكِيٌّ» که به معنای اداء صدقه واجب مالی است. لذا زکات به معنای مالی که انسان برای رضایت پروردگار اعطا می‌کند، یک معنای اصطلاحی دینی مأخوذ از انبیاء سابقین بوده و قصد قربت در ارتکاز قبل از اسلام آن نیز بوده است. (لذا اعتبار و دلیل قصد قربت اقوا از اجماع است).<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۲. لفظ «صدقه» و اصطلاح «زکات» در مصادر شرعی

مفردات: صدقه آن است که انسان به قصد قربت از مالش خارج سازد، همانند زکات. اما در اصل صدقه به آن عمل به صورت داوطلبانه گفته می‌شود و زکات به واجب آن. گاهی در «واجب» نیز لفظ «صدقه» به کار می‌رود و آن هنگامی است که صاحبش از فعلش «صدق» اراده نماید؛ مثل: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾<sup>۲</sup> (از اموال آنان صدقه‌ای بگیر) یا ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ...﴾<sup>۳</sup> (صدقات، تنها به تهی‌دستان و... اختصاص دارد).<sup>۴</sup>

مرحوم شهید اول (ره) زکات را چنین معنا کرده‌اند: «زکات عبارت است از مقدار مشخصی از مال یا مقدار معینی از آنچه که بر ذمه و درون انسان تعلق می‌گیرد به جهت کسب طهارت و رشد و نمو و بالندگی».<sup>۵</sup>

و همچنین مرحوم محقق حلی در کتاب «معتبر» نیز چنینی گفته‌اند که: «زکات اسمی است برای حقی که در مال واجب شده و در واجب آن نصاب معین شده است و وجه تسمیه آن به خاطر این است که ثواب را زیاد می‌کند و مال را از حق مساکین پاک می‌کند و زکات دهنده را از گناه».<sup>۶</sup> و همچنین در اصباح الشیعه بمصباح الشریعة ص ۱۸۳ نیز آمده: «زکات عبارت است از خارج کردن بخشی از مال برای آن که باقی مال برکت کند و برای صاحب مال درجات و رشد روحی ایجاد نماید و مال را از حرام بازدارد و صاحب مال را از گناه و معصیت».<sup>۷</sup>

**مجمع البیان:** فرق بین زکات و صدقه این است که زکات تنها واجب است و صدقه گاهی واجب و گاهی مستحب

است.<sup>۸</sup>

۱. با استفاده از نوارهای درس خارج جناب استاد حضرت آقای مددی، ولایت فقیه، منابع مالی دولت اسلامی، زکات.

۲. التوبة: ۱۰۳.

۳. التوبة: ۶۰.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۸۰.

۵. البیان، ص ۲۷۵.

۶. «المعتبر فی شرح المختصر»؛ ج ۲، ص ۴۸۵ «اسم لحق یجب فی المال یعتبر فی وجوبه النصاب و سمیت بذلك لأنَّ بها یزداد الثواب و یطهر المال من حق المساکین و مؤدبها من الإثم».

۷. البیان، ص ۲۷۵.

۸. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۸۴.

اشکال: لفظ زکات در روایات به زکوات مستحبی (در آراء اکثر فقها) مثل زکات مال التجارة و زکات خیل هم اطلاق شده. گاهی در قرآن نیز این لفظ بر زکات مستحبی اطلاق شده است که از موارد قطعی آن آیه ۵۵ سوره مائده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱</sup> (ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند). دلالت این آیه شریفه به خاطر تفسیر آن به ماجرای خاتم انگشتی علی علیه السلام در نماز می‌باشد. در «احکام السلطانية» ماوردی آمده است: صدقه زکات است و زکات صدقه، اسم‌ها مختلف است اما مسمی متفق و در مال حقی نیست غیر از آن. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ فِي الْمَالِ حَقُّ سِوَى الزَّكَاةِ» در مال حقی غیر از زکات نیست.<sup>۲</sup>

البته بدیهی است که در عرف کنونی صدقه منحصر به موارد مستحبی و زکات، به موارد واجب است. اما در متون دینی به خصوص قرآن کریم لفظ «صدقه» بر «زکات واجب» اطلاق شده است. به قرینه روایات و سایر آیات می‌توان استنباط نمود، در این موارد قویاً مراد «زکات» واجب است؛ مانند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

گاهی نیز در قرآن از لفظ زکات برای موارد مستحبی استفاده شده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۴</sup>

از دیگر نکاتی که از بررسی الفاظ زکات و صدقه به دست می‌آید این است که اصطلاح مقابل خمس، صدقه است نه زکات:

«نکته مهمی که در روایات باید بدان توجه کرد این است که آنچه که پرداخت آن برای ذوی القربی حرام است به تعبیر صدقه ذکر شده است که در مقابل خمس است که به ذی القربی تعلق می‌گیرد؛ و صدقه بر آنان حرام است. و اصطلاح زکات به معنای صدقه نمی‌باشد؛ بلکه زکات همان طهارت و پاکی است که انسان به وسیله پرداخت آن، هم در مال و هم در روح خود ایجاد می‌نماید. لذا در تاریخ نزول آیات مربوط به زکات پیوسته پرداخت زکات به همراه اقامه صلاة آمده است که هر دو سبب طهارت و پاکی نفس اند. لذا باید به این نکته مهم توجه داشت که اصطلاح زکات به معنای صدقه نیست که در مقابل اصطلاح خمس باشد؛ گرچه که

۱. المائده: ۵۵.

۲. ماوردی، احکام سلطانیه، ص ۱۱۳.

۳. توبه: ۱۰۳.

۴. مائده: ۵۵.

ترادف خمس و زکات (به معنای صدقه معمولاً مشاهده می‌شود که مؤید روانی ندارد؛ بلکه روایات، زکاترا به معنای پاکی و طهارت می‌دانند و صدقه خیری است که به ذوی‌القربی (سادات) تعلق نمی‌گیرد).<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۳. اصطلاح نقدین، الفاظ ذهب و فضّه، اوراق مالی

واژه‌های ذهب و فضّه در قرآن در موارد زیادی به کار رفته‌اند که آدرس برخی موارد آن عبارت‌اند از: آل عمران: ۱۴، آل عمران: ۹۱، توبه: ۳۴، الکهف: ۳۱، حج: ۲۳، فاطر: ۳۳، زخرف: ۵۳، زخرف: ۷۱. برای درک بهتر معنای لغوی در فرهنگ واژگانی قرآن کریم این دو واژه را بررسی می‌نماییم.

**الذهب:** موارد استعمال لفظ ذهب:

(۱) «ذَهَبَةٌ» وقتی گفته می‌شود که جسمی ذهبی و طلائی است.

(۲) «رَجُلٌ ذَهَبٌ» در جایی گفته می‌شود که کسی معدن طلائی را کشف کند و به خاطر آن هیجان‌زده شود و رنگ چهره‌اش زرد رنگ شود از شدت هیجان و وحشت.

(۳) «شَيْءٌ مَذْهَبٌ»: جایی گفته می‌شود که بر چیزی یا روی شیئی طلا کشیده شده باشد (طلاآلود)

(۴) «كَمِيْتُ مَذْهَبٌ»: رنگ چهره به گونه‌ای زرد باشد که گویی رنگ چهره او طلائی شده

(۵) «الذَّهَابُ» به معنای عبور و گذشتن به کار برده می‌شود مثلاً ذهب بالشیء چیزی را با خود برده است یا اذهبته او را با خود برد که معمولاً در امور خارجی و معانی به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

**فض:** به معنای شکستن چیز و جدایی انداختن بین اجزاء آن چیز مثل آنجا که گفته می‌شود «فُضُّ خَتَمُ الْكِتَابِ» یعنی بین اجزاء کتاب فاصله انداخته شده و کتاب به تمامه ختم نشده است و از همین معنا (جدایی انداختن) در جمله «النفص القوم» استفاده شده است؛ یعنی بین افراد گروه جدایی افتاده است و از هم جدا شده‌اند. بنابراین کلمه فضه در هنگامی که معامله صورت می‌گیرد اگر با پرداخت فضّه (نقره) باشد به این معناست که معامله فضه‌ای یک معامله سبک‌تر، خفیف‌تر و نسبت معامله ذهبی از نظر ارزشی پایین‌تر است؛ لذا به لباسی که دارای ارزش مادی کم است و

---

۱. سیدکاظم الحائری الأوراق المالية الإعتبارية، رسالة الثقلین، ع ۸ شوال و ذی الحجة ۱۴۱۴ ق، ص ۳۵ و ۳۶. و الذی یبدو من لحن أكثر الروایات أن المصطلح الذی کان فی مقابل مصطلح الخمس لدی بیان حرمة أخذ الواجب منه علی ذوی القربی هو مصطلح الصدقة لا مصطلح الزكاة و کان مصطلح الزكاة فی تاریخ نزول القرآن و الذی قرن بالصلوة فی الآیات الكثيرة علی الأكثر عبارة عن مطلق الضريبة الواجبة و إن إستقر الإصطلاح أخيراً علی ترادف كلمة الزكاة للصدقة الواجبة مقابل الخمس.

۲. مفردات راغب، ص ۳۳۱ و ۳۳۲. معروف و ربما قبل «ذَهَبَةٌ» و «رَجُلٌ ذَهَبٌ»: رأى معدن الذَّهَبِ فدهش. و «شَيْءٌ مَذْهَبٌ»: جعل علیه الذَّهَبُ، و «كَمِيْتُ مَذْهَبٌ»: علت حمرته صفرة، كأنَّ علیها ذهباً و «الذَّهَابُ»: المضى، یقال: «ذهب بالشیء و أذهب» و يستعمل ذلك فی الأعیان و المعانی.